



گفت‌وگوی صبا با امیر عسکری

## کاراکتر حاج قاسم یک قهرمان تمام عیار است

**آقای عسکری از مسیر کاری تان در آینده بر ایمان بگویید. آیا باز هم در ساخت پرتره خواهید بود؟**

کاری که در حال حاضر مشغول آن هستم، پرتوهای از خود حاج قاسم سلیمانی است. از طرفی باید خدمتتان عرض کنم که من در سبک و ژانرهای دیگر هم کار کرده‌ام. ترسی از این ندارم که در سبک و موقعیت‌های دیگر کار کنم. کما اینکه تاکنون کار کرده‌ام و موفق هم بوده‌ام. تنها فویبایی که دارم رفتن به سمت مستندهای اجتماعی است. دوست دارم بیشتر به قهرمان‌های ملی مان بپردازم. به عنوان مثال غیر از حاج قاسم به شخصیت شهید شوشتری خیلی علاقه دارم. **به هر حال سینمای ملل مختلف در ساخت ملی اهمیت زیادی برای قهرمان‌های شان قائل هستند. هالیوود از مصداق‌های بارز در این بحث است.**

در این راستا می‌توانیم فیلم «تک‌تیرانداز آمریکایی» را مثال بزنیم. ما در ایران قهرمانی داریم که تک‌تیرانداز آمریکایی در مقابل آن هیچ است. شهید عبدالرسول زین شخصیتی است که در روستا بزرگ شده و مهارت او در جهان شناخته شده و زبان زد است. قهرمان‌های ما با قهرمان‌های پوشالی آمریکایی فرق می‌کنند. آن‌ها ارزش بیشتری دارند. رمبو و آرونلد از دیگر قهرمان‌های آمریکا هستند که هویت ملی چندانی ندارند. شخصیت‌های دیگر از جمله بتمن و سوپرمن از دیگر سوزه‌هایی هستند که در آمریکا تبدیل به اسطوره شده‌اند. حال تأثیر آن‌ها در مردم ایران نیز قابل رویت است. سینمای ایران در بحث ساخت، ترسیم و نمایش اسطوره‌ها تاکنون بسیار ضعیف عمل کرده است. به عنوان مثال حاج قاسم سلیمانی در عملیات کربلای ۵ با چندین گردان بلایی به سر عدنان خیرالله آورد که ارتش عراق عقب‌نشینی کرد. کاراکتر حاج قاسم یک قهرمان تمام عیار است. او در وسط محاصره یا در خط مقدم جنگ حضور پیدا کرده و نیروهایش را رهبری می‌کرد. حال سینمای هالیوود یک شخصی (فرمانده اصلی) را نشان می‌دهد که در دفتر خود با منشی‌اش نشست و دارد از آن‌جا به نیروهایش خط می‌دهد. قهرمان‌های ما می‌روند در وسط محاصره ۳۶۰ درجه‌ای دشمن می‌نشینند. محاصره را می‌شکنند و دشمن را به عقب می‌رانند. ما باید درباره آن‌ها فیلم بسازیم. اصباحیر

کرد. این اشخاص در سه طیف مشخص تعریف می‌شدند. یک دسته نظامی بودند. یک دسته از خود اشرار بودند. دسته‌ای دیگر هم بودند که به عنوان اهالی سیاست و بلوچستان صرفاً ناظر ماجرا بودند. در میان آن نظامی‌ها می‌توان به آقای زلفی، دوستان تیپ صاحب‌الزمان و غیره اشاره کرد. برخی هم برای جمع‌آوری خاطرات لحظاتی را ثبت و ضبط کرده بودند. در نهایت امر به یاری خدا توانستیم قریب به ۴۸ ساعت آرشیو گردآوری کنیم. بعد از مرور آرشیو متوجه شدم که هر چه از مستند «عیدوک» می‌خواهم در آن‌ها وجود دارد.

**مسئله قهرمان و ضد قهرمان در مستند «عیدوک» بسیار حائز اهمیت است. از طرفی صحرا، کوه و فضایی که در جغرافیای این مستند جاری است، فضای وسترن را در ذهن متبادر می‌کند. آیا شما تلاشی برای شکل‌گیری درام و جریان وسترن در این مستند کردید؟**

نه، ببینید من در ابتدای مستند آدمم و قصه را به مخاطب گفتم. گفتم که عیدوک چنین شخصیتی بوده و در این تاریخ کشته شده است. به این ترتیب قصه را دور زد. دشمنان عیدوک را که تشکیل شده از وهابی‌ها و دوستانش بودند را بیان کردم. بزرگ‌ترین دشمنش را که حاج قاسم سلیمانی بوده، در همان ابتدا بر ملا نکردم. مسیر قصه را آغاز کردم. در این مسیر مخاطب دیگر به کشته شدن یا نشدن عیدوک اهمیت نمی‌دهد. مسئله‌اش چگونه کشته شدن اوست. عیدوک در محاصره‌های متعددی قرار می‌گیرد و مخاطب با خود می‌گوید که این دیگر پایان کار عیدوک است. اما نه! فرار او ادامه پیدا می‌کند تا جایی که همان دشمنی که در نقطه شروع معرفی شد - یعنی وهابیت - عیدوک را می‌کشد. او با یک مولوی در پاکستان آشنا می‌شود. آن مولوی به عیدوک می‌گوید که باید شیعیان و نظامی‌های شیعه را به قتل برساند. از آنجایی که خود عیدوک شیعه بوده، این درخواست را رد می‌کند. آن مولوی هم بر شجاعت و نترس بودن عیدوک دست گذاشته و برای او شعری از سعدی می‌خواند: «برو شیر درنده باش ای دغل- نینداز خود را چو روباه شل!» عیدوک با شنیدن این شعر آزرده شده و درگیری و کشمکش میان این دو شکل می‌گیرد. درگیری‌ای که به مرگ هر دوشان منتج می‌شود.

امیر عسکری کارگردان مستند «عیدوک» پس از حضور موفق این اثر در هفدهمین جشنواره سینماحقیقت و کسب جایزه سرباز وطن، از ساختارها و ارزش‌های آن گفت. مستند «عیدوک» پیرامون یکی از ضدقهرمان‌های منطقه در این سال‌هاست. کسی که به گفته حاج قاسم سلیمانی بسیار شجاع و نترس بوده است. عیدوک فاصله‌ای تقریباً ده ساله شرارت‌هایی در بلوچستان انجام می‌دهد تا به مدد تدابیر شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی متواری و در نهایت به دست وهابی‌های پاکستان به قتل می‌رسد. امیر عسکری در این گفت‌وگو به ساختارهایی که مستند تحسین شده «عیدوک» برای به تصویر کشیدن روایت خود به کار برده پرداخت.

**از ایده یا همان جرقه‌ای که شما را به ساخت این مستند سوق داد شروع کنیم. این جرقه از کجا آمد؟**

روایت مستند «عیدوک» و شخصیت عیدوک به واسطه داستان‌هایی که از کودکی برای من تعریف می‌کردند، به عنوان یک دغدغه در من وجود داشت. به عنوان مثال پدرم وقتی می‌خواست داستانی برای من تعریف کند از عیدوک که فردی شجاع اما منفی بود، می‌گفت. این داستان‌ها به رفعت، رشادت و عظمت حاج قاسم ختم می‌شد. در این راستا من از سال ۹۷ تا ۹۸ مسیر ساخت مستند «عیدوک» را پی‌ریزی کردم. پژوهش را از افرادی که در این حوزه فعال هستند شروع کردم. آرشیوها را جمع‌آوری و در سال ۱۴۰۰ تولید را آغاز کردم. تولیدی که تقریباً ۱۸ روز به طول انجامید.

**نقطه ثقل مستند «عیدوک» آرشیو غنی آن است.**

وقتی که من در مرحله پیش تولید بودم آرشیو چندانی در دسترس نبود. لحظاتی تکه تکه را در اختیار داشتیم. لحظاتی که به تسلیم شدن برخی اشرار مربوط می‌شد. تازه در میان آن‌ها عیدوک حضور نداشت! در موازات این تکه‌ها گزارش‌هایی را که قرارگاه قدس در آن زمان به مقام معظم رهبری ارائه می‌داد، در اختیار داشتیم. بنابراین در ابتدای مرحله پیش تولید آرشیو چندانی در اختیار نداشتیم. تا اینکه جلوتر رفته و روایت‌نگاری را آغاز کردیم. وقتی در مسیر ساخت قرار گرفتیم، هر شخص نواری را که از آن دوره در دست داشت به مستند تزریق

